

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 64-77.

The progress of Islamic civilization with the establishment of schools in the Timurid era

Mahmoud Hoseini¹  

1. Corresponding Author, Student of PhD, Faculty of History, University of Religions and Denominations, QOM, IRAN. E-mail: s.mahmood.h2024@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	After the Mongol invasion and the destruction of the symbols of Islamic civilization, Timurid schools became known as educational places for teaching religious and intellectual sciences. These schools not only provided a space for education and training, but were also known as social and cultural symbols that played an effective role in the development of Islamic culture and civilization. Many of these schools were built next to the tombs of religious and religious figures, creating a deep connection between spirituality and science. The main issue of the article is how the establishment of schools affected the progress of Islamic civilization in the Timurid era? This research was conducted using a descriptive-analytical method and, due to the wide range of educational institutions in Islamic culture and civilization, it addressed the impact of schools of this period on the progress of Islamic culture and civilization.
Article history: Received: 6 August 2024 Accepted: 21 October 2024 Published online: 3 February 2025	
Keywords: Timurians, Schools, Islamic Culture and Civilization, Samarkand, Herat.	

Cite this article: Hoseini, Mahmoud, Initial. (2024). The progress of Islamic civilization with the establishment of schools in Timurid era. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 64-77.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.720146>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۶۴-۷۷.

پیشرفت تمدن اسلامی با تأسیس مدارس در عصر تیموریان

سید محمود حسینی^۱ ✉

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: s.mahmood.h2024@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	بعد از حمله مغول‌ها و از بین رفتن نمادهای تمدن اسلامی، مدارس تیموری به عنوان مکان‌های آموزشی برای تدریس علوم دینی و عقلی شناخته شدند. این مدارس نه تنها فضایی برای آموزش و تحصیل فراهم می‌کردند، بلکه به عنوان نمادهای اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شدند که در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی نقش موثری ایفا کردند. بسیاری از این مدارس در کنار مزارهای بزرگان دینی و مذهبی ساخته می‌شدند و پیوندی عمیق بین معنویت و علم ایجاد می‌کردند. مسئله اصلی مقاله آن است که تأسیس مدارس بر پیشرفت تمدن اسلامی عصر تیموری چگونه تأثیر گذاشته است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و به دلیل گستردگی نهادهای آموزشی در فرهنگ و تمدن اسلامی، به تأثیر مدارس این دوره بر پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته است.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۳/۰۵/۱۶	
پذیرش نهایی:	
۱۴۰۳/۰۷/۳۰	
تاریخ انتشار:	
۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
کلیدواژه‌ها:	
تیموریان، مدارس، فرهنگ و تمدن اسلامی، سمرقند، هرات.	

استناد: حسینی، سید محمود (۱۴۰۳). پیشرفت تمدن اسلامی با تأسیس مدارس در عصر تیموریان. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۶۴-۷۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.720146>

۱. مقدمه

در دوره تیموریان مدارس از مهم‌ترین مراکز آموزشی به شمار می‌رفتند. این مدارس، چه آن‌هایی که به دست سلاطین و شاهزادگان تیموری ساخته شدند و چه آن‌هایی که توسط امرا و بزرگان در شهرهای مختلف ایران تأسیس گردیدند، به تعداد فراوانی در این دوره شکل گرفتند. از میان شهرهای مهم، می‌توان به سمرقند و هرات اشاره کرد. سمرقند در زمان حکومت تیمور به عنوان پایتخت برگزیده شد. او برای عمران و آبادانی این شهر تلاش فراوانی کرد و از سراسر جهان هنرمندان، اساتید و دانشمندان بزرگ را به سمرقند فراخواند و این شهر را به مرکزی برای تجمع علما، دانشمندان و هنرمندان تبدیل نمود.

در دوره حکومت الغ‌بیگ این روند ادامه پیدا کرد و سمرقند همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی شناخته می‌شد. الغ‌بیگ که خود دانشمندی برجسته و دوستدار علم بود، چندین مرکز علمی جدید در این شهر تأسیس کرد که برخی از آثار این مراکز تا به امروز باقی مانده‌اند. یکی دیگر از شهرهای مهم دوره تیموری، هرات بود که تعداد زیادی مدارس در آنجا بنا شد. هرات در بیشتر دوره‌های تاریخی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شهرهای خراسان شناخته شده است، اما دوران اوج شکوفایی آن بی‌تردید مربوط به دوره تیموریان است؛ به‌ویژه در زمان حکومت شاه‌رخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا. در این دوره هرات به دارالعلم بزرگی تبدیل شد که دانشمندان، هنرمندان و طالبان علم از سراسر جهان به آنجا آمده و در نقاط مختلف شهر، حلقه‌های درس، بحث و مناظره برپا می‌شد. این شهر در دوره تیموریان بیشترین تعداد مراکز آموزشی را در خود جای داد.

بررسی و شناخت مدارس که در سمرقند و هرات ساخته شده‌اند، نشان می‌دهد که این دو شهر در زمان تیموریان از رونق علمی ویژه‌ای برخوردار بودند. همچنین، این موضوع

بیانگر توجه سلاطین و همسرانشان، وزرا و امرا به ساخت مدارس و امور خیریه و نیز علاقه عمومی مردم به تحصیل علم و دانش است. علاوه بر شهرهای ماوراءالنهر که مورد توجه حاکمان تیموری قرار گرفته، شهرهای دیگری نظیر مشهد، خواف، تربت جام، بلخ و یزد مورد توجه قرار گرفتند و آثاری از مدارس آن دوران در این مناطق باقی مانده است. شیراز در این دوره به واسطه تلاش‌های اسکندر بن عمر شیخ و ابراهیم سلطان، فرزند شاه‌رخ، به مرکز علمی جنوب ایران تبدیل شد. بزرگان مشهوری چون میر سید شریف جرجانی، جلال‌الدین دوانی و صدرالدین دشتکی به حوزه علمی شیراز رونق بخشیدند. باید یادآور شد که از مدارس عصر تیموری، متأسفانه امروز آثار زیادی به جا نمانده و از برخی از آن‌ها تنها نامی در متون تاریخی به چشم می‌خورد.

این مقاله در تلاش است تا بتواند بخشی از پیشرفت دوباره فرهنگ و تمدن اسلامی را در عصر تیموری با این سوال پاسخ دهد: «جایگاه تأسیس مدارس در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی تیموریان چگونه بوده است؟». در این تحقیق، با بررسی جامع و دقیق منابع تاریخی و مقالات علمی مرتبط با دوره تیموریان، نتایج مهمی به دست آمد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

در این زمینه کارهای مختلفی صورت گرفته است. عمده تحقیقات به صورت کلی در زمینه نهادهای آموزش می‌باشد. اگرچه مدارس بخشی از نهاد آموزش در تمدن اسلامی بوده است، اما در این خصوص به صورت مجزا نوشته‌ای یافت نگردید. مقاله «بررسی معماری دوره تیموری با تأکید بر مساجد و مدارس» تألیف ابراهیمی در زمینه معماری مدارس پرداخته است. همچنین مقاله «نهضت توسعه نهادهای آموزشی در دوره تیموری و نقش سلاطین و خواتین در پیشبرد آن» نوشته اللهیاری و همکاران که به تمام نهادهای آموزش می‌پردازد. این مقاله به دلیل گستردگی نهادهای آموزش به

صورت مختصر به موضوع مدارس پرداخته است. در مجموع باید گفت که پژوهش‌های انجام شده به صورت کلی بوده و در زمینه تأثیر تأسیس مدارس در پیشرفت تمدن اسلامی عصر تیموریان اطلاعات و داده‌های اندکی به ما ارائه می‌دهد.

۲. مدارس سلاطین

با وجود اینکه تیمور در جریان یورش‌های خود خرابی‌های بسیاری ایجاد کرد، در مقایسه با سایر سلاطین تیموری، تعداد بیشتری مدرسه تأسیس کرد. به طوری که منابع این دوره به ساخت سه مدرسه توسط او اشاره می‌کنند. از جمله این مدارس می‌توان به مدرسه‌ای کوچک در مجاورت مرقد شیخ احمد جام در تربت جام اشاره کرد. این مدرسه دارای سراچه، ایوان و حجره‌هایی بود که سراچه آن، به عنوان مدرسه کوچکی برای طلاب علوم دینی استفاده می‌شد (مولوی عبدالحمید، ۱۳۵۳: ۵۵/۱). تیمور همچنین در سمرقند مدرسه‌ای برای مقبره میرزا محمد سلطان ساخت (خواند میر، ۱۳۷۲: ۱۶۵). علاوه بر این، او به افتخار همسر محبوب خود، بی‌بی خانم ملکه کبری، مدرسه‌ای در سمرقند ساخت. اگرچه از این مدرسه چیزی باقی نمانده است، اما مشخص است که در داخل دیوارهای شهر و نزدیکی دروازه‌های آهنین قرار داشته است (ویلسن، ۱۳۷۹: ۳۳۱).

شاهرخ تیموری از سلاطین علاقه‌مند به علم و هنر، مدرسه‌ای باشکوه در هرات بنا کرد. این مدرسه در شمال هرات و در محلی به نام «تحت القلعه» ساخته شد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۱/۲؛ سمرقندی، ۱۳۶۵: ۱۸۷/۲). اتمام ساخت این مدرسه را به سال ۸۱۳ ق نسبت داده‌اند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۷۳/۶؛ سمرقندی، ۱۳۶۵: ۱۸۵/۲). از نظر معماری، میان صحن و صفا این مدرسه، دو منار مقابل هم قرار داشتند که یکی توسط استاد قوام‌الدین و دیگری توسط خواجه علی حافظ تبریزی ساخته شده بود.

ساختمان این مدرسه از سنگ مرمر و مناره‌های آن با زر و لاجورد تزئین شده بودند. چهار صفا این مدرسه محل تدریس چهار دانشمند و استاد نامدار دارالعلم هرات بود و شمار زیادی از دانشجویان و طلاب علوم دینی و عارفان در این مکان به کسب فضائل علمی و معنوی مشغول بودند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۷/۲). پس از اتمام این بنا، شاهرخ چهار دانشمند مشهور هرات را به تدریس در این مدرسه منصوب کرد. او در روز نخست تدریس، با حضور در مجلس درس آنجا را افتتاح کرد. این دانشمندان عبارت بودند از: مولانا جلال‌الدین یوسف اوبهی، جلال‌الدین یوسف حلاج، نظام‌الدین عبدالرحیم یاراحمد و ناصرالدین لطف‌الله. این مدرسه در سال ۸۹۹ ق همچنان مهم بوده است (میرخواند، ۱۳۸۰: ۸۲۷۳/۶). خواندمیر در توصیف این مدرسه بیان کرده در سال ۹۰۱ ق چهار نفر از علمای برجسته در آن مشغول به تدریس بوده و شمار زیادی از طلاب به این مکان علمی وابسته بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۶۷). از جمله مدرسان برجسته این مدرسه در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا، مولانا عصام‌الدین ابراهیم بود که پس از کسب علوم و به دلیل توجه امیرعلی شیر نوایی، به تدریس در این مدرسه به جای مولانا زاده ابهری پرداخت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۴). مولانا برهان یکی از بزرگ زادگان هرات، در همان زمان به عنوان مدرس این مدرسه فعالیت داشت (علی شیر نوایی، ۱۳۲۳: ۲۶۵). همچنین، مولانا عبدالرحمان جامی مدتی در این مدرسه به تدریس مشغول بود (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۶۲: ۱۰۲).

شاهرخ علاوه بر این، مدرسه دیگری به نام بالاسر در مشهد ساخت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۶). این بنا دو طبقه و چهار ایوان داشت و در غرب دارالسیاده و بالای سر مرقد حضرت رضا^(ع) قرار گرفته بود. به همین دلیل، به مدرسه «بالاسر» شهرت یافت. فضای داخلی این مدرسه با کاشی‌های معرق

تزیین شده بود و ایوان‌های آن نیز مقرنس‌کاری شده بودند. آرامگاه میرزا ابوالقاسم بابربین بایسنقر بن شاهرخ نیز در زیر گنبد شمال شرقی مدرسه قرار دارد (مقرّی، ۱۳۵۹: ۱۴). از جمله مدرسان می‌توان به امیر نظام‌الدین نیشابوری اشاره کرد که ابتدا در مدرسه اخلاصیه علوم دینی آموخت و سپس به تدریس در این مدرسه منصوب شد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۱).

الغ بیگ فرزند شاهرخ در سال ۸۲۳ ق مدرسه و خانقاهی در مرکز شهر سمرقند در موضعی به نام سردواتیک و در نزدیکی ارگ عالی بنا کرد (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۵۶؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۴۲/۴). الغ بیگ برای این مدرسه و خانقاه، مزارع و روستاهای متعددی وقف کرد؛ به گونه‌ای که درآمد این موقوفات علاوه بر تأمین هزینه‌های مدرسان، طلاب، شیخ و حفاظ، پس‌انداز قابل توجهی برای مدرسه ایجاد می‌کرد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۳۶۰/۶؛ سمرقندی، ۱۳۶۵: ۴۲۱/۲). در توصیف این مدرسه آمده که هیچ مهندسی با عقل و دانش نمی‌توانست به ارتفاع دقیق آن دست یابد و هیچ حسابگری نمی‌توانست ابعاد و بزرگی آن را به درستی محاسبه کند. عظمت این بنا چنان بود که گویی کوهی باشکوه بر زمین قرار گرفته است. این مدرسه دارای چهار گنبد بلند بود که هر یک به گونه‌ای هنرمندانه در چهار جهت قرار داشتند. چهار مناره لاجوردین و سیمین نیز مانند خطوطی مستقیم در چهارگوشه این بنا به سمت آسمان برپا شده بودند. هر رواق این مدرسه شامل حجره‌هایی بود که برای سکونت طلاب در نظر گرفته شده بود (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۵۴).

براساس منابع، الغ بیگ شخصاً در ساخت این مدرسه شرکت داشت؛ به گونه‌ای که ذکر شده: «میرزا الغ بیگ با تمام جدیت در تکمیل مدرسه حضور داشت و هر روز با دست خود خشت به استاد می‌داد» (واصفی، ۱۳۴۹: ۴۰/۱). از نظر معماری، این مدرسه به گونه‌ای ساخته شده بود که با

هدف اصلی مدرسه یعنی تعلیم هماهنگ باشد. به همین دلیل، قسمت‌های ضروری شامل حجره‌های طلاب، اتاق‌های مباحثه و نمازخانه در آن تعبیه شده بود. در مدرسه الغ بیگ، صحن مرکزی چهار ایوانی طراحی شده و حجره‌های دو طبقه در میان ایوان‌ها قرار داشتند. در چهار زاویه مدرسه نیز تالارهای گنبددار برای جلسات درس و مباحثه ساخته شده بود. علاوه بر این، در بخش جلویی مدخل ورودی و پشت ایوان، سرسرای بلند برای برگزاری نماز و عبادت ساخته شده بود. همچنین، در چهار زاویه بیرونی مدرسه، چهار مناره به چشم می‌خورد (ویلسن، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

پس از اتمام بنای مدرسه سمرقند، الغ بیگ، مولانا محمد خوافی را به عنوان نخستین مدرس این مدرسه تعیین کرد. هنگام پایان ساخت مدرسه، کسی از میرزا پرسید که چه کسی مدرس این مدرسه خواهد شد؟ میرزا پاسخ داد که مدرس باید فردی باشد که در تمام علوم مهارت داشته و در تمامی فنون کامل و متبحر باشد. در این هنگام، مولانا خوافی با لباسی ژنده و ظاهری پریشان از جا برخاست و آمادگی خود را برای پذیرش این مقام اعلام کرد. الغ بیگ پس از آزمودن وی و دریافت پاسخ‌های دقیق و معقول به تمام سوالاتش، او را به عنوان مدرس منصوب کرد و دستور داد تا او را به حمام برده و لباس‌های فاخر به وی بپوشانند. سپس، او را نزد قاضی زاده رومی برد و از او تمجید فراوان کرد (واصفی، ۱۳۴۹: ۴۰/۱).

در روز افتتاح مدرسه، مولانا خوافی نخستین جلسه تدریس خود را با حضور نود دانشمند و عالم آغاز کرد. از میان حاضران، تنها الغ بیگ و قاضی زاده رومی توانستند سخنان وی را به خوبی درک و دنبال کنند. الغ بیگ در وصف مولانا خوافی گفت:

کرده‌اند (علی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۶/۱). تومان آغا، همسر امیر تیمور، مدرسه‌ای در قصبه کوسویه که شاهرخ به رسم سیورغال به او داده بود، ساخت (سمرقندی، ۱۳۶۵: ۲۱۱/۲). همسران شاهرخ، بیشترین تعداد مدارس را در بین بانوان تیموری ساختند. از جمله، ملکت آغا، دختر خضر اوغلان و همسر شاهرخ، مدرسه‌ای در قبه الاسلام بلخ ساخت که به گفته خواندمیر از متکلف‌ترین بناهای بلخ بود. در این مدرسه چهار نفر از علما به تدریس و افاده مشغول بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷). مولانا غیاث‌الدین بحر آبادی و مولانا محمد حنفی از مدرسان این مدرسه بوده‌اند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۵). گوهرشاد بیگم، همسر دیگر شاهرخ و از زنان نیکوکار، مدرسه‌ای در شمال شهر هرات و در سرپل انجیل بنا کرد. سال اتمام این بنا را ۸۳۶ ق ذکر کرده‌اند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۴۱۳/۶؛ سمرقندی، ۱۳۶۵: ۶۴۵/۲).

پس از تکمیل این مدرسه، به دستور شاهرخ پیش از شروع تدریس، نماز جمعه در آن مکان برگزار شد و خطبه به نام شاهرخ خوانده شد. شیخ شهاب‌الدین بسطامی به عنوان خطیب منصوب شد، اما پس از مدتی شاهرخ او را عزل کرد و مولانا شمس‌الدین محمد اوحد جایگزین وی شد (سمرقندی، ۱۳۶۵: ۶۴۷/۲). این مدرسه تا زمان خواندمیر همچنان پابرجا بود و در حدود سال ۹۰۱ ق، چهار مدرس در آنجا مشغول تدریس بودند. در داخل این مدرسه، گنبدی که با لاجورد و طلا تزیین شده بود، قرار داشت و قبر فرزندان شاهرخ در آنجا واقع بود. هر روز جماعتی از حفاظ قرآن در آنجا به قرائت مشغول بودند و این بنا به بیت المغفره معروف بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

در میان مدرسان این مدرسه، افراد برجسته‌ای مانند امیر سید اصیل‌الدین عبدالله هروی، معروف به اصیل‌الدین واعظ، به چشم می‌خورد که در علم تفسیر، حدیث و تألیف

مولانا خوافی چنان تسلطی بر جمیع علوم و فنون دارد که اگر تمامی کتب و رسائل علمی را در دریا بیندازند و اثری از آن‌ها نماند، وی می‌تواند همه علوم را به گونه‌ای احیا کند که حتی یک نکته از هیچ علم و فنی فراموش نشود (واصفی، ۱۳۴۹: ۴۰/۱).

۴. مدارس شاهزادگان

شاهزاده میرزا محمد سلطان، معروف به کیچک و خواهرزاده خسرو صاحب قران، مدرسه‌ای به نام «خسرویه» را در شهر مرو بنا نهاد. واژه خسرویه براساس حساب جمل به سال ساخت این مدرسه که ۸۸۱ ق است اشاره دارد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۳). همچنین میرزا سیدی احمد بن عمر شیخ بن تیمور مدرسه‌ای در شیرغان تأسیس کرد که در دوران خواندمیر آباد بوده و طلاب در آن مشغول به تحصیل بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

سلطان ابراهیم میرزا که فرزند شاهرخ بود و مانند پدرش علاقه‌مند به علم و هنر، در دوران حکومتش در فارس بناهای متعددی از جمله مساجد و مدارس را به یادگار گذاشت. از جمله این مدارس، یکی در تربت جام بود که یوسف اهل در آن اقامت داشت (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۸۹/۲). او همچنین مدرسه‌ای به نام دارالصفاء در سال ۸۲۳ ق در سرپل جکنم شیراز ساخت (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۵۲۲). سلطان بدیع الزمان میرزا، فرزند سلطان حسین بایقرا، مدرسه‌ای به نام «بدیعیه» ساخت که در کنار جوی انجیل شهر هرات قرار داشت. مادر بدیع الزمان میرزا، بیگم سلطان بیگم، پس از وفات در سال ۸۹۳ ق در گنبد این مدرسه دفن شد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۶-۱۷۷).

۵. مدارس زنان تیموری

بانوان تیموری، پیشرو در تأسیس مراکز آموزشی بودند. به عنوان مثال، قتلغ ترکان آغا، خواهر تیمور که زنی نیکوکار بود، در طول عمر خود آثار زیادی از جمله مدارس و خانقاه‌ها ایجاد کرد. تاریخ وفاتش را سال ۷۸۵ ق ذکر

بی‌نظیر بود و در زمان سلطان ابوسعید به هرات آمد و هفته‌ای یک بار در مدرسه گوهرشاد موعظه می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۳۴/۴). مولانا خلیل‌الله، معروف به مولانا زاده فاضل که ابتدا در ملازمت شاهزاده میرزا ابوبکر بن میرزا سلطان ابوسعید بود و سپس به هرات رفت و تحت توجه امیر علی شیر نوایی قرار گرفت، مدتی در این مدرسه به تدریس مشغول بود، اما به دلیل شرب مدام، امیر علی شیر نوایی او را عزل کرد. امیر برهان‌الدین ارشد، از نوادگان امیر سید اصیل‌الدین، پس از تحصیل علوم دینی، توسط سلطان حسین میرزا به تدریس در مدرسه گوهرشاد منصوب شد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۰). همچنین، امیر نظام‌الدین عبدالحی استرآبادی، که در سال ۸۹۲ ق به هرات آمد، به تدریس در این مدرسه پرداخت (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/۱۱۶-۱۱۷).

از دیگر مدرسان برجسته این مدرسه می‌توان به خواجه عبدالرحمن اشاره کرد که تدریس یکی از صفه‌های این مدرسه به وی تعلق داشت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۴). مولانا کمال‌الدین مسعود شیروانی سال‌ها در این مدرسه تدریس کرد و به گفته امیر علی شیر نوایی، روزانه بیش از صد طالب علم از او بهره می‌بردند. همچنین، مدرسه‌ای به نام سلطان‌آغا در هرات توسط یکی از بانوان تیموری تأسیس شد. خواندمیر درباره آن ذکر کرده: «این مدرسه به اندازه‌ای مجلل است که یک مدرس همیشه در آن به تدریس مشغول است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

۶. مدارس وزرا

از مهم‌ترین وزرای دوره تیموری که در زمینه تأسیس مدارس پیشگام بودند، می‌توان به خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی وزیر شاهرخ اشاره کرد. وی در خرگرد خرگرد، مدرسه‌ای به نام «غیاثیه» تأسیس کرد که در چهار کیلومتری خواف، از بخش‌های تربت حیدریه و در کنار جاده واقع شده

است. نام خرگرد از دو واژه «خر» به معنای بزرگ و «گرد» به معنای شهر و آبادی شکل گرفته و نام غیاثیه نیز برگرفته از نام بانی این مدرسه است (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۵۴). ساخت این بنا توسط دو معمار مشهور عصر تیموری به نام‌های خواجه قوام‌الدین شیرازی و خواجه غیاث‌الدین شیرازی از سال ۸۴۱ آغاز و در سال ۸۴۸ ق به پایان رسید. اطلاعات مربوط به این امر در کتیبه‌های سر در و پیشانی ایوان با خط زیبای ثلث و بر روی کاشی‌های معرق قابل مشاهده است (مقری، ۱۳۵۹: ۱۰۰).

در بین مدرسان این مدرسه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: مولانا کمال‌الدین مسعود شروانی که سال‌ها در مدرسه گوهرشاد آغا و مدرسه اخلاصیه به تدریس اشتغال داشت. او پس از فوت قاضی نظام‌الدین تدریس در مدرسه گوهرشاد بیگم را ترک کرده و به تدریس در مدرسه غیاثیه پرداخت. در روز اجلاس وی در این مدرسه، امیر نظام‌الدین علی شیر نوایی و تمامی اساتید و علمای شهر هرات جمع شدند. یکی از شروط وقفیه مدرسه این بود که اعلم علمای خراسان در آنجا به تدریس مشغول باشند و در این روز مولانا مسعود نکات بدیعه و معانی شریفه‌ای بیان کرد که همگان را تحت تأثیر قرار داد (روملو، ۱۳۵۷: ۶۰). دیگر مدرس معروف این مدرسه، مولانا شمس‌الدین علی، مشهور به فارسی بود که از دانشمندان و فضلالی هرات در عصر سلطان ابوسعید به شمار می‌رفت. سلطان ابوسعید به او توجه زیادی داشت. وی سال‌ها در مدرسه غیاثیه به تدریس پرداخت (رازی، ۱۳۷۸: ۲۲۶/۱).

امیر صدرالدین یونس الحسینی، از سادات و دانشمندان هرات در سده نهم و دهم هجری، سال‌ها در این مدرسه مشغول به تدریس بود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۵۲/۴). قاضی نظام‌الدین محمد گازرگاهی، فرزند ارشد مولانا حاجی محمد فراهی که به زهد و تقوا مشهور بود و در تدریس و فتوا

شهرت داشت، مدتی در مدرسه غیاثیه به تدریس اشتغال داشت. او همچنین از مدرسان مدرسه اخلاصیه بود (واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۱۰۷). امیر رضی الدین عبدالاول پس از اتمام تحصیلاتش در اوایل جوانی به تدریس در مدرسه غیاثیه مشغول شد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/ ۳۵۵). مولانا فصیح الدین محمد نظامی که مدرس مدرسه اخلاصیه بود، در این مدرسه به تدریس پرداخت.

خواجه غیاث الدین محمد حافظ رازی، وزیر الوزرای میرزا اسکندر، تصمیم به تأسیس مدرسه‌ای در جنت آباد یزد گرفت و هزینه ساخت این مدرسه را از اصفهان به امام الدین علی ندوشنی، قاضی یزد و نایب او ارسال کرد. این مدرسه که به مدرسه حافظیه معروف شد، در سال ۸۱۷ ق در محله اهرستان ساخته شد و در کنار آن باغی وسیع و حمامی مجهز بنا گردید. هنوز ساخت این مدرسه به پایان نرسیده بود که میرزا اسکندر درگذشت و پس از مرگ او، خواجه غیاث الدین محمد منصب وزارت را ترک کرده و در یزد اقامت گزید. منابع ذکر کرده‌اند زمانی که شاهرخ به دارالعباده یزد آمد، بنا به درخواست خواجه ضیاء الدین محمد به مدرسه حافظیه رفت و خواجه غیاث الدین در استقبال از شاهرخ جشنی شاهانه ترتیب داد و پنج طبق فلوری و نقره به رسم پیشکش به سلطان تقدیم کرد (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۷-۱۴۸؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۳/ ۱۵۷). شاهرخ در این محل اعلام کرد: «این مدرسه به ظلم اسکندر بنا شده و به عدل ما کامل خواهد شد» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۸).

خواجه افضل الدین محمد بن ضیاء الدین محمد کرمانی از وزرای بزرگ قرن نهم هجری و مدتی وزیر سلطان حسین بود. او در دوران وزارت خود، بقاع خیری مانند مسجد جامع، مدرسه و خانقاه بنا کرد. روزی که عمارت مدرسه و خانقاهی که در هرات، بیرون درب عراق ساخته شده بود، به اتمام رسید، به درخواست او، سلطان حسین و پسرانش،

میرزا بدیع الزمان و میرزا مظفر حسین گورکان و اکثر مشایخ و سادات و علمای دارالسلطنه هرات به آن عمارت رفتند و او در آن روز ۹ تن از بزرگان شهر را به تدریس در آن مدرسه گماشت (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۳۸).

خواجه جلال الدین قاسم فرنخودی که مدتی منصب وزارت سلطان حسین را عهده‌دار بود، در شهر هرات مسجد و مدرسه‌ای بنا کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۸). خواجه عماد الدین مسعود که مدتی در یزد سمت وزارت داشت، به انجام کارهای خیر و ساخت بناهای عام المنفعه علاقه‌مند بود و در دوران وزارت خود، بقاع مهمی نظیر مسجد، مدرسه و حمام بنا کرد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۰۴).

۷. مدارس امرا

امیر غیاث الدین بخشی در زمان سلطنت تیمور گورکان مدرسه‌ای در شهر هرات تأسیس کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۹). امیر علاء الدین علیکه کوکلتاش، که به عنوان مربی پیر شاهرخ شناخته می‌شود (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۰۴)، یکی از ارکان مهم دولت شاهرخ بود و در سر خیابان هرات مدرسه‌ای با ارتفاع و عظمت بنا کرد. این مدرسه به دلیل وسعت و استحکامش معروف بود و دو مدرس شریف در آن به تدریس مشغول بودند. با اینکه امیر علاء الدین به عنوان یک مقام رسمی دولت شناخته می‌شد، بیشتر وقت خود را به امور خیرخواهانه و توسعه کشاورزی در قلمرو تیموریان و حتی خارج از آن، مانند آسیای صغیر و مصر اختصاص می‌داد. او زمین‌های بایر را احیا کرده و به دنبال پیشرفت زراعت بود. روایت شده که شاهرخ روزی از او پرسید که علت این همه تلاش‌های بی‌فایده چیست و امیر پاسخ داد هدفش انتشار آوازه نیک پادشاه است تا مردم ببینند که خدمتکار پیر شاهرخ چگونه در دورترین نقاط به عمران و آبادی می‌پردازد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۰۴-۲۰۵). امیر علاء الدین در سال ۸۳۳ ق در حالی که عمرش از نود سال فراتر رفته بود، در گنبد

امیر تیمور گورکان بوده و در سال ۸۲۳ ق در حمله شاهرخ به آذربایجان، مأمور فتح قزوین شده بود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۶۰۶/۴).

امیر سیدی، از امرای نامدار شاهرخ، در مشهد مدرسه‌ای بنا کرد. او پس از عزل شیخ ابوخیر به حکومت فارس منصوب شد و به دلیل ویژگی‌هایش، به عنوان فردی متهور و ظالم شناخته می‌شد. او پس از چند ماه درگذشت. جسدش را از شیراز به خراسان آوردند و در زیر گنبد مدرسه‌ای که خود ساخته بود دفن کردند (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۵: ۷۵۶/۲). امیر چقماق شامی که از رجال عصر شاهرخ و سلطان ابوسعید گورکانی بود، مدرسه‌ای در خیابان هرات بنا کرد. این مدرسه به زیبایی ساخته شده و طبق گزارش خواندمیر، یکی از فضلاء در آن به تدریس مشغول بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

امیر یوسف بن حاجی حلبی، معروف به چهره، در زمان امیر جلال‌الدین چقماق شامی داروغه یزد بود. او در سال ۸۳۴ ق در محله دھوک سفلی، مدرسه‌ای در کنار مدرسه اصلیه بنا کرد و پایایی از آجر پخته در میان مدرسه و اشترخانی در کنار آن ساخت. این مدرسه بر اثر سیل سال ۸۶۰ ق ویران شد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۶۵۸-۶۵۹؛ کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۵-۱۴۶). امیر جلال‌الدین مزید ارغون، از امرای سلطان ابوسعید، در بلخ بر سر مزار خواجه ابونصر پارسا مدرسه‌ای رفیع بنا کرد (خواندمیر، ۱۳۷۳: ۱۷۱). امیر نظام‌الدین علی شیر نوایی، امیر فرهیخته و دانشمند زمان سلطان حسین بایقرا، در سال ۸۸۰ ق زمینی را در نزدیکی کوشک مرغاب در جنوب غربی هرات از سلطان حسین میرزا دریافت کرد و در آن زمین برای خود سرایی و باغی ساخت. او عمارت کوشک مرغاب را که به قول خودش بسیار قدیمی و ناراحت‌کننده بود، با خاک یکسان کرده و به جای آن مدرسه و خانقاهی بنا کرد. این مدرسه ظاهراً دارای

مدرسه‌اش به خاک سپرده شد (سمرقندی، ۱۳۶۵: ۲/۷۳۶). از مدرسان این مدرسه می‌توان به امیر شمس‌الدین محمد بن امیر یوسف اشاره کرد که در زمان سلطان حسین بایقرا به تدریس مشغول بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۰). همچنین مولانا نورالله خوارزمی یکی دیگر از مدرسان این مدرسه بود (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۷۵). امیر جلال‌الدین فیروز شاه، یکی از امرای شاهرخ، در نزدیکی مدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا، مدرسه‌ای زیبا و با شکوه بنا کرد و دو نفر از موالی در آنجا به تدریس مشغول بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸). مولانا شمس‌الدین شیخ محمد کیرنگی از مدرسان این مدرسه به شمار می‌آید (خوافی، ۱۳۳۲: ۲۷۶). امیر جلال‌الدین فیروز شاه در سال ۸۴۸ ق در زیر گنبد همین مدرسه دفن شد (سمرقندی، ۱۳۶۵: ۸۴۰/۲؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۴۵۵/۶).

امیر فرمان شیخ، از نزدیکان شاهرخ، در شهر هرات و در نزدیکی جوی نو، مدرسه‌ای با زینت‌های بسیار تأسیس کرد (سمرقندی، ۱۳۶۵: ۷۳۸/۲؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۴۴۲/۶). طبق گزارش خواندمیر، یکی از موالی در آن مدرسه به تدریس مشغول بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸). امیر غیاث‌الدین یوسف خواجه بهادر در محرم سال ۸۴۳ ق مدرسه‌ای در جنوب غربی حرم مطهر حضرت رضا^(ع) و در کنار بناهای آستان مقدس بنا کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱: ۲/۲۵۵). این مدرسه که به «مدرسه دو در» معروف است، دارای دو گنبد و چهار ایوان می‌باشد. زیر گنبد، سنگ قبری از امیر یوسف وجود دارد (ویلبر دونالد و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۶۴). این مدرسه به صورت دو طبقه و در حجره‌هایی در اطراف ساخته شده و نمونه‌ای کامل از معماری قرن نهم هجری است. از لحاظ تزئینات، کاشی‌کاری و خطوط و نقوش این مدرسه جالب توجه می‌باشد. خولندمیر درباره امیر یوسف بیان کرده که او یکی از امرای زمان شاهرخ ابن

دو صنفه شرقی و غربی بود که در هر یک، دو مدرس به تدریس مشغول بودند. یکی اصول و فروع فقه و دیگری درس اصول و فروع حدیث را تدریس می‌کرد. در حلقه درس این دو استاد یازده تن طلبه مشغول تحصیل بودند و چون این مدرسه را با نیت خالصانه بنا کرده بود، به اخلاصیه مشهور شد (علی شیر نوایی، ۱۳۲۳: مقدمه). این مدرسه تا زمان خواندمیر برقرار بود. او اشاره کرده در سال ۹۰۶ ق، چهار نفر از دانشمندان متبحر در آنجا به تدریس مشغول بودند و از اوقاف آن، نصیب و بهره‌ای وافر می‌بردند. نام آن‌ها عبارت بود از: امیر برهان‌الدین عطاء الله نیشابوری، قاضی اختیارالدین حسن تربتی، امیر مرتاض و مولانا فصیح‌المله والدین محمد نظامی. به مدت بیست سال، هزاران طلبه از نقاط مختلف به این دو محل متبرکه آمده، به تحصیل علوم موفق شده، به زادگاه خود بازگشته و در آنجا به منصب تدریس مشغول شدند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۳).

۸. مدرسان مدرسه اخلاصیه

اکنون به شرح حال مختصری از مشهورترین مدرسان مدرسه اخلاصیه می‌پردازیم که از منابع متعدد گردآوری شده است.

امیر برهان‌الدین عطاء الله در اوایل جوانی از نیشابور به دارالسلطنه هرات آمد و به تحصیل علوم پرداخت و در هرات توجه و عنایت امیر علی شیر نوایی را جلب کرد. خواندمیر اشاره کرده که روزی امیر علی شیر نوایی با مولانا فصیح‌الدین صاحب‌دار به بازی شطرنج مشغول بود که ناگهان امیر برهان‌الدین عطاء الله به آن مجلس وارد شد. امیر علی شیر نوایی به شدت او را تعظیم و تجلیل کرده و از او پرسید که از کجا آمده و چه مسئله‌ای دارد. امیر برهان‌الدین جواب داد که خواستار خرید زمینی در نزدیکی مدرسه اخلاصیه است، ولی در این مورد دچار مشکل شده است. امیر علی شیر نوایی پس از آنکه به امیر برهان‌الدین گفت که پیش من بیا و

را به پیش خود خولنده و به او یادآور شد که نیازی به خرید زمین نیست و از مال خود در این مدرسه سرافراز بهره‌مند شود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۰). قاضی اختیارالدین حسن تربتی یکی دیگر از مدرسان مشهور این مدرسه بود. او از بزرگان و محترم‌ترین علما در عصر خود به شمار می‌آمد و با شدت و قاطعیت به تدریس مشغول بود. یک بار در جلسه‌ای با ارکان دولت و در حضور شاهرخ و وزرا به بحث‌های علمی پرداخت و نظرات و مبانی علمی خود را ارائه کرد. وقتی که یک قاضی دیگر در مقام استدلال به نظر او اعتراض کرد، قاضی حسن به او پاسخ داد که آداب و احترام بین یک قاضی و علمای دیگر به این است که قاضی باید به ادب سخن بگوید (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۴۳). در طول تاریخ تیموریان، این مدارس به عنوان مراکز علمی و فرهنگی تأثیرگذار شناخته شدند و بسیاری از مدرسان و دانشجویان برجسته در آنجا تربیت شدند.

۹. مدارس دیگر

هر چند وزیران بسیاری از طبقات دیگر را می‌توان در زمره بزرگان به شمار آورد، اما در منابع دوره تیموری به مدارس خاصی اشاره شده که سازندگان آن‌ها از بزرگانی با اعتبار و شناخته شده در شهرها بودند. به همین دلیل، این مبحث تحت عنوان مدارس دیگر نامگذاری شده است. علی طبیب، جد اعلای میرزا طاهر نصر آبادی و مؤلف تذکره نصر آبادی، در زمان سلطان محمد گورکان حاکم اصفهان بود. او سه مدرسه در اصفهان و حومه آن در اواسط قرن نهم هجری تأسیس کرد. میرزا طاهر نصر آبادی در این باره می‌نویسد:

خواجه صدرالدین علی، جد اعلای فقیر، در زمان سلطان محمد گورکان که قبل از میرزا شاهرخ حاکم اصفهان بود، از اعتبار و مقام بالایی برخوردار بود و ملک زمین و آب زیادی بود. او سه مدرسه ساخت که یکی در حوالی مسجد جامع قدیم در کنار خانه میرزا هدایت الله طبیب واقع بود. دیگری

در نصر آباد، جایی که خود سکونت داشت و آبادی مختصری داشت. در این بنا از دقت در هنر کاشی‌کاری و تزئینات بهره‌برداری شده است که زیبایی‌های آن به زلف خوبان شبیه است (نصرآبادی، بی‌تا: ۴۵۷)

در دوران شاه‌رخ، یکی از بزرگان به نام خواجه اسماعیل حصاری، مدرسه‌ای به همین نام در شهر هرات بنا کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۹). همچنین در زمان سلطنت همین پادشاه، یکی از اکابر هرات مدرسه‌ای به نام «مدرسه خوانچه» در این شهر تأسیس کرد. در سال ۸۳۲ ق خواجه قطب‌الدین، فرزند خواجه حاجی علی قاسمان، در شهر یزد در کنار مسجد و مقبره پدر بزرگش، مدرسه‌ای دو طبقه مزین به کاشی و نقاشی ساخت و آب تفت را در میان آن جاری کرد. او چهار صفت جهت مسکن فقرا ترتیب داد و این مدرسه را «دارالصفاء» نامید (باققی، ۱۳۴۰: ۳/۶۵۸).

خواجه شمس‌الدین محمد، خواجه زین‌الدین علی و خواجه حاجی غیاث‌الدین، فرزندان خواجه صدرالدین احمد ابیوردی، پس از فوت پدر بزرگوارشان طرح مدرسه‌ای عالی به نام «باوردیه» در کنار مزار اسکندریه به اجرا گذاشتند و در آستانه مدرسه، گنبدی را به طلا و لاجورد زینت کردند و پنجره‌ای آهنین به نمای آن افزودند و کارخانه و بازارچه‌ای در نزدیکی آن ساختند. این مدرسه همچنین به «کبه باوردی» معروف شد (باققی، ۱۳۴۳: ۱/۱۸۲). این بنا در سال ۸۴۲ ق به اتمام رسید و در زمان مؤلف تاریخ یزد، از رونق و اعتبار بالایی برخوردار بود (جعفری، ۱۳۳۸: ۹۹)؛ اما متأسفانه این مدرسه در سال ۸۶۰ ق به واسطه سیل ویران شد (باققی، ۱۳۴۳: ۱/۱۸۲).

آقا یوسف حلبی، معروف به «چهره»، از بزرگان شهر یزد، در سال ۸۴۴ ق در محله دھوک سفلی اقدام به ساخت بناهایی نمود. از جمله عمارتی برای مدفن خود و همچنین مدرسه‌ای با باغچه‌ای در کنار آن که نه‌ری در میان مدرسه

جاری بود و حجره‌ها و طنبی بسیار نیز در نزدیکی آن ساخته شد (جعفری، ۱۳۳۸: ۷۱-۷۲). شاه علاءالدین محمد، از سادات و اشراف معروف اصفهان، در این شهر مدرسه‌ای به نام «شهشهان» تأسیس کرد. این سید جلیل‌القدر در رمضان سال ۸۵۰ ق در ساوه به دستور شاه‌رخ مصلوب شد و سپس جسد او با احترام به اصفهان منتقل و در همان محل دفن گردید (ایمانیه، بی‌تا: ۷۵).

خواجه معین‌الدین علی، از بزرگان شهر یزد، در سال ۸۶۱ ق مدرسه‌ای عالی در مقابل مزار امامزاده ابوجعفر محمد ساخت که به «مدرسه معینی» مشهور شد. این مدرسه دارای حجره‌های فوقانی و تحتانی و همچنین گنبدی بلند بود و به سوی مزار منور باز می‌شد (باققی، ۱۳۴۰: ۳/۱۶۶؛ کاتب، ۱۳۴۵: ۱۸۳). خواجه کمال‌الدین حسین بن جلال‌الدین قنبر کیرنگی از بزرگان ولایت ابیورد بود و از نظر مکتب و حشمت از دیگر اعیان خراسان ممتاز و مستثنی محسوب می‌شد و مدتی منصب صدارت سلطان حسین میرزا را در اختیار داشت. او در درون شهر هرات، مدرسه‌ای در سمت قبله مسجد جامع هرات با کمال زیبایی بنا کرد که از بهترین مدارس آن زمان به شمار می‌رفت.

امیر صدرالدین محمد حسینی دشتکی، از بزرگان شهر شیراز در این شهر مدرسه‌ای رفیع به نام «منصوریه» تأسیس کرد. او هر روز به این بقعه می‌آمد و به طلبه‌ها درس می‌داد. فرزند او، امیر غیاث‌الدین منصور که در علوم حکمی و ریاضی مهارت داشت، در این مدرسه تدریس می‌کرد. از دیگر بزرگانی که در این عصر مدارس ایجاد کردند، می‌توان به خواجه جلال‌الدین محمود غوریانی اشاره کرد که در فوشنج مدرسه‌ای بنا نهاد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۸). همچنین مولانا لطف‌الله صدر مدرسه‌ای در نزدیکی مزار پیر مجد خواجه ابوالولید احمد تأسیس کرد.

علامه تفتازانی از علمای برجسته خراسان و ولایت سرخس اقدام به تأسیس مدرسه‌ای عالی کرد. این مدرسه در کنار مزار شیخ ابو الفضل حسن که از بزرگان آن دوران به شمار می‌رفت، بنا گردید. آثار تفتازانی در کتابه این مدرسه به ثبت رسیده است (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۲۶). مولانا جلال‌الدین محمد قاینی واعظی شخصیتی مشهور و فاضل در روزگار شاه‌رخ بود. او سال‌ها در مسجد جامع هرات به نصیحت مسلمانان می‌پرداخت و حافظه‌ای بسیار قوی داشت. وی مدتی به امر احتساب در هرات مشغول بود و اجازه حدیث از شیخ محمد جزری داشت. از آثار وی، مدرسه‌ای در سمت جنوب مسجد جامع هرات، معروف به مدرسه «پیش برد» به یادگار مانده است. این مدرسه همچنین با نام مدرسه «پیش بره» شناخته می‌شود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۳۰/۴؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۱). شیخ الاسلام مولانا سیف‌الدین احمد تفتازانی یکی دیگر از علمای مشهور خراسان مدرسه‌ای نزدیک مسجد جامع هرات بنا کرد. در سال ۹۱۶ ق اموال او مصادره و پس از مدت کوتاهی جان خود را از دست داد (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲۲۰). مولانا فصیح‌الدین محمد نظامی از علمای شناخته شده هرات و صاحب تألیفات متعددی از جمله حاشیه هدایه و شرح اربعین، مدرسه‌ای به نام «فصیحیه» در این شهر تأسیس کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۸).

مولانا شرف‌الدین علی یزدی، مولف ظفرنامه، مدرسه‌ای در شهر یزد بنا کرد. مستوفی بافقی در این زمینه می‌نویسد: «وفاتش در سال ۸۵۸ هجری اتفاق افتاد و در مزار شرفیه واقع در جنب مسجد جامع محله میر چقماق که بانی آن مولانا شمس‌الدین علی والد او بود، مدفون گشت» (بافقی، ۱۳۴۰: ۳/۳۰۳). برادرزاده‌اش، مولانا شمس‌الدین محمد به تعمیر و بهسازی مدرسه و خانقاه شرفیه اهتمام ویژه‌ای داشت و هر روز غذا برای درویشان و فقرا فراهم می‌کرد.

نورالدین عبدالرحمان جامی از نویسندگان و شاعران عصر تیموری، مدرسه‌ای در شهر هرات تأسیس کرد. این مدرسه به نام «حضرت مخدومی» شناخته می‌شود و به صفا و لطافت هوای آن مشهور است. در توضیحات این مدرسه آمده است که در زمره عمارت‌های مقرب‌الحضرت سلطانی قرار دارد (هروی، ۱۳۴۵: ۱۸۸). مولانا مجدالدین صنع‌الله کوزه‌کنانی که در قریه کوزه‌کنان نزدیک تبریز متولد شده بود، به خدمت جامی در خراسان رسید و در مدرسه او سکونت گزید (کربلانی تبریزی، ۱۳۴۴: ۹۹/۱).

۱۱. نتیجه‌گیری

مدارس ساخته شده توسط بزرگان، علما و نویسندگان در دوره تیموری نمایانگر اهمیت فرهنگ و دانش در این دوره تاریخی است. این مدارس نه تنها مکان‌هایی برای آموزش علوم دینی و علمی بودند، بلکه به عنوان مراکز فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کردند. از طرف دیگر، تأسیس این مدارس توسط افراد برجسته مانند وزرا، دانشمندان و شاعران نشان‌دهنده تأثیرگذاری این افراد در ترویج علم و دانش در جامعه آن زمان بود. از سویی دیگر، بسیاری از این مدارس در کنار مزار بزرگان دینی و مذهبی بنا می‌شدند که نمادی از پیوند معنوی و علمی در فرهنگ آن دوران بود. همچنین، برخی از این مدارس مانند مدرسه‌هایی که توسط علما و نویسندگان بزرگ نظیر تفتازانی، شرف‌الدین علی یزدی و عبدالرحمان جامی تأسیس شده بودند، به آثار علمی و ادبی غنی پیوند داشتند و علاوه بر آموزش، محل نگهداری و ارتقای دانش و تحقیقات علمی به شمار می‌رفتند.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که مدارس این دوره نه تنها مراکز علمی بودند، بلکه از نظر معماری، تزئینات و نمادهای فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار بودند. تأسیس این مدارس توسط افراد برجسته جامعه، تأثیری عمیق بر پایداری

علم و فرهنگ در دوران تیموری گذاشت و راه را برای شکوفایی بیشتر علم در دوره‌های بعدی هموار ساخت.

کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، **مطلع الشمس**، تهران: افست، ۱۳۰۱.

- ایمانیه مجتبی، **تاریخ فرهنگ اصفهان مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون**، اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا.

- بارتولد، الغبیک و زمان وی، **امپراتوری مغول و دولت جغتائی**، ترجمه حسین احمدی‌پور، تبریز: کتابفروشی چهر، ۱۳۳۶.

- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، **تاریخ یزد**، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.

- حافظ ابرو، عبد الله بن لطف الله، **جغرافیای حافظ ابرو**، تصحیح صادق سجادی و سید علی آل داوود، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵.

- خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، **مجمعل فصیحی**، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹.

- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**، تصحیح محمود دبیرسیاقی و مقدمه جلال الدین همایی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳.

- خواندمیر، **دستور الوزرا شامل احوال و زرای اسلام تا انقراض تیموریان**، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال، ۱۳۵۵.

- خواندمیر، **مآثر الملوك به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا، ۱۳۷۲.

- خواندمیر، **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، تصحیح محمد شفیع، لاهور: چاپخانه گیلانی لاهور، جزء اول، جزء ۲ و ۳، ۱۳۶۵.

- خواندمیر، **مکارم الاخلاق (شرح احوال و زندگانی امیر علی شیر نوایی)**، مقدمه و تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

- رازی‌امین، احمد، **تذکره هفت اقلیم**، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش، ۱۳۷۸.

- راقم سمرقندی، میر سید شریف، **تاریخ راقم**، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری، ۱۳۸۰.

- روملو، حسن بیگ، **احسن التواریخ**، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک، ۱۳۵۷.

- زمیچی اسفزاری، معین الدین محمد، **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**، تصحیح محمد کاظم امام، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

- سمرقندی، کمال الدین عبد الرزاق، **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، به کوشش عبد الحسین نوایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

- سمرقندی، محمد بن عبد الجلیل سمرقندی و ابوطاهر خواجه قندیه و سمریه دو، **رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند**، به کوشش ایرج افشار، بی‌جا: موسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷.

- علی شیر نوایی، امیر نظام الدین، **مجالس النفائس در تذکره شعراء قرن نهم هجری**، به تلاش علی اصغر حکمت، تهران: چاپخانه بلنک ملی ایران، ۱۳۲۳.

- فخر الزمانی قزوینی، **ملا عبد النبي تذکره میخانه**، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، ۱۳۶۲.

- کاتب، احمد بن حسین بن علی، **تاریخ جدید یزد**، تصحیح ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۵.

- کربلانی تبریزی، حافظ حسین، **روضات الجنان و جنات الجنان**، تصحیح جعفر سلطانی القرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

- مستوفی بافتی، محمد مفید، **جامع مفیدی**، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۳، تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۲.

- مقری علی اصغر، **بناهای تاریخی خراسان**، مشهد: اداره کل فرهنگ خراسان، ۱۳۵۹.

- مولوی عبدالحمید، **آثار باستانی خراسان**، خراسان: چاپخانه خراسان، ۱۳۵۳.

- میرخواند، محمد بن خواند شاه بن محمود، **تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء**، تصحیح جمشید کیان فر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.

- هروی فخری، **تذکره روضة السلاطین**، تصحیح ع. خیامپور، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

- واصفی زین الدین محمود، **بدائع الوقایع**، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

- واعظ هروی، سید اصیل الدین عبد الله حسینی، **مقصد الاقبال سلطانی و مرصد الآمال خاقانیه**، به کوشش مایل هروی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.

- واله اصفهانی، قزوینی محمد یوسف خلد برین، تاریخ تیموریان و ترکمانان، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
- ویلبر دونالد و گلمبک لیزا با همکاری دیگران، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ویلسن، پیندر، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی ۱۳۷۹.
- یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه (تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان)، به تصحیح محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.

